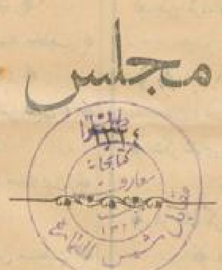
اداره مرکزی
طهران خیابان جلیل آباد
مدیر کل
میرزا محمد صادق فرزند
حضرت حجة الاسلام آقای آمیرزا
سید محمد طباطبائی
مدیر اداره ادیب الممالك
مکاتیب بدون امضا وتعرفهٔ کافی وتربیت
قبول نمیشود
﴿ عنوان مراسلات ﴾
اداره روز نامه مجلس طهران
عنوان تلگرافی
جریده مجلس
نمرهٔ تلفون . . . . .

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم ﴾

مجلس



فعلا هفته چهار نوبت ایام
شنبه ویکشنبه وسه‌شنبه وپنجشنبه
طبع وتوزیع و پس از سه ماه
بطور یومیه منتشر خواهد شد

قیمت اشتراك

(طهران)	(ولایات داخله ایران)	(ممالك خارجه)
(۳ ماهه)	(۳ ماهه)	(۳ ماهه)
۱۴ قران	۱۷ قران	۸ فرانك
(۶ ماهه)	(۶ ماهه)	(۶ ماهه)
۲۶ قران	۳ تومان	۱۴ فرانك
(۱ ساله)	(۱ ساله)	(۱ ساله)
۴۵ قران	۵۵ قران	۲۶ فرانك

﴿ طهران ﴾
قیمت یك نسخه سه شاهی است
قیمت اعلانات سطری ده شاهی در صورت
تکرار تخفیف داده میشود
وجه اشتراك پس از ارسال پنج نسخه
مطالبه و دریافت میشود

بتاریخ پنجشنبه دهم شوال المکرم ۱۳۲۴ هجری قمری و ۱۲۸۵ هجری شمسی مطابق بیست وهفتم نوامبر ماه فرانسه وانگلیس و ۱۴ نوبار روسی میلادی ۱۹۰۶ ویازدهم آذرماه ۱۲۷۶ یزدگردی و تشرین الاخر ۲۳۱۸ رومی و ۱۱ آذرماه ۸۲۸ جلالی

این روز نامه یکی مطلق وآزاد است و در مباحث ومذاکرات و مشروعات مجلس شورای ملی ایران و کلیه امور پلتیکی و تجارتی و اجتماعی و آنچه راجع باصلاحات ملکی وامور ملی و مربوط بفواید عامه وعواید نوعیه و دائر بحقوق عالم اسلامیت واجرا احکام اسلام ومدافعه حدود وطن باشد باکمال آزادی سخن میراند مذاکرات یومیه دارالشورای کبری و لوایح ومقالات وآراء و افکار ملت را در مواد مذکوره بالخصوص منتشر خواهد نمود

—﴿ قصیده از اثر خامهٔ ادیب الممالك ﴾—

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

﴿ شاد باش ای مجلس ملی که بوم عنبر بیب ﴾
﴿ از تو آید درد ملت را درین دوران طبیب ﴾
﴿ شادباش ای مجلس ملی که از تو چیره گشت ﴾
﴿ سور مسجد بر کلیسا نور فرقان بر صلیب ﴾
﴿ شاد باش ای مجلس ملی که ایران از تو یافت ﴾
﴿ دولت دور شباب اندر پی عهد مشیب ﴾
﴿ شاد باش ای مجلس ملی که باشد مر ترا ﴾
﴿ شرع پشتیبان ودولت حافظ وملت نقیب ﴾
﴿ شادباش ای مجلس ملی که هستی زان کراف ﴾
﴿ آسمان مهر وماه وزهره و کف الخضیب ﴾
﴿ شادباش ای مجلس ملی که ظلم از تو گریخت ﴾
﴿ همچو حجاج بن یوسف از غزاله وز شبیب ﴾
﴿ شادباش ای مجلس ملی که از تأیید تو ﴾
﴿ عاشق بیچاره شد آسوده از جور رقیب ﴾
﴿ چشمها را روی حوری کامها را طعم شهد ﴾
﴿ گوشها را بانگ رودی مغزها بوی طیب ﴾
﴿ تا تو بر پائی درین کشور نرنجد آشنا ﴾
﴿ تا تو برجائی درین سامان نفرساید غریب ﴾
﴿ کس نماند زین سپس از جور دیوان در شکنج ﴾
﴿ کس نماند زین سپس از عدل سلطان بی نصیب ﴾
﴿ نالهٔ مظلوم آید تا بتخت شهریار ﴾
﴿ حالت بیمار گردد آشکارا بر طبیب ﴾
﴿ کودکان را کس نترساند ز شکل هولناك ﴾
﴿ عاجزان را کس نلرزاند ز فریاد مهیب ﴾
﴿ خاره اندر خاك نستاند طراوت از گهر ﴾
﴿ غوره اندر تاك نربود حلاوت بر زبیب ﴾
﴿ گول را نبود رقابت با حکیم هوشمند ﴾
﴿ سفله را نتوان عداوت با اصیل و با نجیب ﴾

چون بواسطه ضیق صفحات ووجود مقالات مهمه محل درج اخبار مجلس نبود اخبار شنبه ویکشنبه درنمرهٔ سیم منتشر خواهد شد

جبرئیلی کی تواند بعد ازین دیو مرید
پارسائی کی نماید زین سپس شیخ مریب
بسکه ظالم رابکف شد خون مظلومان خضاب
بسکه روی خستگان از خون دل آمد خضیب
بسکه هرملهوف گفت (ای رکنی من لارکن له)
بسکه هر مظلوم بر خواند آیت (ام من یجیب)
شهریار دادگر خشنود بر قومی ذلیل
خسرو عادل ترحم کرد بر ملتی کئیب
[شه مظفر] داورگیتی خدیو کامران
آنکه ذاتش مستطابستی و خلقش مستطیب
آنکه خصمش هر کجا جنبش کند باشد مصاب
آنکه رایش هر کجا تابش کند باشد مصیب
بر رعیت داد شه در مملکت احسان وی
بهتر ازسال فراخ وخوشتر از عام خصیب
در نفوس خصم قهرش همچو نار اندر حطب
در قلوب خلق مهرش همچو آب اندر قلیب
عدل این شه را کرام الکاتبین دانند حساب
کار این شه را امیرالمؤمنین باشد حسیب
خسروا ایزد ترا داده است صدری کاردان
کاسمانی کرد خواهد دولتت را عنقریب
بوستان ملک را شاد و جوان کرد این وزیر
از پس روزی که گفتی [یجعل الولدان شیب]
کبک آمد در خرامش کرکس از رفتار ماند
بلبل آمد در ترنم زاغ افتاد از نعیب
ای [مشیر الدوله] ای دستور اعظم ای کو زاد
نور عقل از رای پاکت همچو از آتش لهیب
فارج الهم است دیدار تو در [کرب شدید]
کاشف الغم است گفتار تو در [یوم عصیب]
پیش طبع خرده سنجت هر گران آید سبک
نزد فکر دوربینت هر بعید آید قریب
شادی شه خواستی وآبادی ملکش که تو
درد ملت را طبیبی را ز دولت را حبیب
ای درخت شرع زین فرخنده مجلس جاودان
باد اصلت محکم و فرعت قوی غصنت رطیب
وی سپهداران دین بادا شما را تا ابد
عون حق خیر المعین و حفظ حق نعم الرقیب
عقل باشد مر شما را مادر و دانش پدر
عدل باشد مر شما را زاده و حکمت ربیب
مسجد از دیدارتان نازد چو بستان از درخت
منبر از گفتارتان بالد چو سرو از عندلیب
بس کرامتها نمودید ای کرامت را لسب
بس شجاعتها نمودید ای شجاعت را نسیب
رنجها بردید کز آن رنجه شد کوهان کوه
کارها کردید کز آن خیره شد هوش لبیب
شکر خوی نیکتان را با مقالی بس شکرف
نعت ذات پاکتان را با بیانی بس عجیب
در فلک کروبیان گویند ودر فردوس حور
در مناره مؤذنان خوانند و در منبر خطیب
گر سخن رانید در این قصه حق گوید بلی
ور دعا خوانید در این روضه حق باشد مجیب
مرحبا گوید بر این وضع بدیع و رای نیک
آفرین خواند بر این کار خوش و بزم رحیب
گر دکار اندر فراز عرش و پیغمبر بخلد
مرتضی اندر لب تسنیم وقائم در مغیب
بر فراز تخت زرین شاه و بر افلاک ماه
در صف کروبیان جبریل و در محضر ادیب
مجلس عالی ز یاد شاعران برد آنچه بود
از حماسه وز تهانی وز مدیح واز نسیب
این زمان طرح سخن زین سان سزد تا آنکه گفت
احمد اندر مدح کافور وحسن بهر خصیب
قدسیان فهرست این مجلس بطاق آویختند
همچنان کاندر گلوی کودکان عود الصلیب

—ooo—(oo)—ooo—

—o— نقل از جریدهٔ مصر و ترجمه از روزنامه ژاپن —o—

صاحب جریده یومیه (اللواء) منطبعه مصر در نمارهٔ ۲۱۶۲ مطابق ۲۹ شعبان شرح ذیل را از روزنامه ژاپن موسوم (جیجی) در تحت عنوان (الدستور فی الیابان) ترجمه و شایع نموده است نگارنده جیجی گوید — محاربهٔ ما باروس وضع عالم را تغییر داد و تأثیری تاپان در علوم حربیه و بحریه و پولتیک وسیاسی کل دول بخشید • ودر افکار وعقاید مللی که در تحت قید اسارت و سلسلهٔ استبداد بسختی زندگی میکردند تغییرات بزرک بدید آورده بر هر کسی واجت است که باکمال دقت نظر و مراقبت فکر اندازهٔ سرعت سیر و حرکت نفوذ حریت و قانون مملکت ما را در افکار وقلوب رعایای روس و ایران و چین در نظر گرفته که بگوید آنا فانا قدرت آن در تزاید است • بدون مبالغه و اغراق می توانیم بگوئیم که اهالی ایران از آنجا که غلبهٔ ما را بدول

روس از راه نفوذ حریت استیلای قانون شناخته ویقین کردند که مملکت ما بواسطهٔ این دوحامی بزرك جان خودرا از چنکال دشمن نیمالی رهانیده و بمقاصد عالیهٔ خویش نائل شده است آنها نیز در طلب این دوامر مهم بجان ودل کوشیده و هستی خودرا در سر این کار نهاده اند

ندای حریت ما مردم ایران را از خوابهای کران که در قرنهای متمادیه داشته اند بیدار کرده وبرای کوهر اتحاد و موافقت آکاه نموده و اینك حرکات دلیرانه وغیورانهٔ مارا سرمشق اعمال ومساعی خود ساخته‌اند • چنانکه می بینیم پادشاه ورؤسای روحانی ملت و امنای دولت با تمام رعایا دست موافقت بهم‌داده کشور آفتاب را بنور جلال وابهت خود معمور ومنور داشته‌اند • زهی سعادت وشرافت قومی که نیك کردار ومساعی خودرا بزرك وکرانبها شمرده همت عالی بصنع ترکتاز اجانب وتوجه خاطر بتحصیل منافع و فواید علمیه وادبیه وصناعیه کماشته‌اند

درابنصورت ما مردم ژاپن بسیار افتخار وشرف داریم که آنچه از اموال و نفوس هموطنان ما در محاربهٔ باروس بباد فنا رفت همهٔ آنها قربان حریت برادران نوعی که در سایر ممالك ساکنند کشته • ویکسر فدای براندختن تخم ظلم و ریشهٔ استبداد شده‌اند این افتخار وشرف ما در نظر اشخاصی که صاحب غیرت و معرفتند باعلی درجه دارای قدر و اهمیت خواهد بود

صاحب جریدهٔ (جیجی) در ذیل این بیانات در مقام ایراد وانتقاد به (نظامنامه قانون سیاسی) دولت مطبوعهٔ خود بر آمده وزبان عیبجوئی وخرده‌کیری بربسیاری از فصول آن کشوده و میکوید — از جمله معایب قانون سیاسی ما آن است که (رفتار حکومت در بسیاری از امور برضد صلاح رعیت است و ملت ما از عهدهٔ دفع وجلوکیری آنها بر نمی آید شاهد حال انکه یکنفر از اعضای پارلمنت ژاپون تاکنون در انجمن اتحاد پارلمنت دول دعوت نشده است • وبرصورتی که نواب ما در نظر هموطنان خود اعتبارات و احترامات لایقه شایانه و رتبهٔ مقبولیت عامه قابل نشده‌اند • چکونه درنزد بیکانه ورقیب دارای رتبه و شرف خواهندشد ...) در خاتمهٔ این انتقاد می کوید — خوانندکان کمان نبرند که در این خصوص فقط تقصیر بر کردن رؤسای نواب مجلس عالی است بلکه چون (دستور وانجمن ملی) ما هنوز دور طفولیت خودرا تکمیل ننموده است زیاده براین جای توقع وترقب نیست صاحب (اللوآ) می کوید — ما این مسئله را بواجب دانسته ومکرر نوشته بودیم که غلبهٔ ژاپون بر روس در حقیقت و نفس الامر فیروزی حریت براستبداد وانتصار عدالت برظلم بود • الحق همکار ژاپنی بموافقت باما صفا کرده است ولی پای کستاخی از حدود ادب بیرون نهاده و برای اینکه غیرت هموطنان خود را در طلب برتری برانکیزد که بدین حد قناعت ننموده و رفته رفته کاهل و بیغیرت نشوند زبان نکوهش بدستور سیاسی ملت خود کشوده • و نیزه قلم را بسوی حکومت خود شلال داده . . . . . .

﴿ مجلس ﴾

آنجا که مجلس ژاپون وقانون سیاسی آن طفل رضیع و کودك مهد باشد مسلم است که مجلس وقانون ما جز نطفه ومضغه نخواهد بود • ولی چون پدر محب ومادر والا کهر این طفل در تربیت فرزند تا یکدرجه ازروی بصیرت سعی دارند • و دایکان پاك دامن صحیح المزاجی از برای پرورش وی اختیار خواهند نمود • امید که از اثر این خاك پاك وآب روشن و هوای دلکش نشو ونمای فرزند سعادتمند ما آناً فاناً زیاده شود و باندك زمانی این کودك خرد سال نیروی جوانان وتجربت پیران بدست آورده پهلوانی صف شکن ودلیری شیر اوژن شود

﴿ ازین دخت مهراب و این پور سام ﴾
﴿ کوی پرمنش زاید و نیکنام ﴾
﴿ بدیدار کردد کوی زور مند ﴾
﴿ که نبود جنو زیر چرخ بلند ﴾
﴿ عقاب از بر ترك او نکذرد ﴾
﴿ سران جهان را بکس نشمرد ﴾
﴿ کمر بستهٔ شهریاران بود ﴾
﴿ یاران پشاه سواران بود ﴾
﴿ ز بهر دل شاه ایران زمین ﴾
﴿ شب و روز تا سایداز رزم چین ﴾
﴿ ادیب الممالك ﴾

(تلکرافات خارجه)

از لندن نوزدهم نوامبر سفینهٔ جنی باسفینه دیکس دربوکستوند دیشب مصادمه کرده آنرا غرق نموده است چهل و یك نفر غرق شده اند وسی و نه نفر را سفینه جنی نجات داده است زنها و اطفال چند در اطاقهای خود محبوس ماندند .
چهل نفر از زنهائیکه مدعی هستند که نسوان باید رأی داشته باشند بر پاست خواهر ژنرال فرنج و مسترس دسپارد امروز

در لندن باز هیاهو کردند مسترس دسپارد بالای پای مجسمه رفته نطق کرد ودستگیر شد پلیس از دستگیر کردن او امتناع داشت . در تمام ساحل وست رالیا امر وزراء لغسخت شده است دو روزنامهٔ طیمس مقالهٔ مخصوصی نوشته شده در خصوص اینکه بمحصلین هندی که بجهة تکمیل تحصیل خود بانگلیس میایند باید معاونت کرد مخصوصاً آنها که در لندن توقف میکنند اکنون انجمنهای انگلیسی که در این کار هستند بواسطهٔ نبودن سرمایه و قلت جمعیت چندان کاری از پیش نمیبرند. نویسندهٔ این مقاله میگوید البته در لندن بسیاری از مردها و زنهای انگلیسی هستند که مایلند در این کار همراهی نمایند تا هندیهائی که بانگلیس میایند تربیت بشوند و وضع زندگانی و حالات انگلیسها را بهتر بفهمند که چون بهندوستان مراجعت کنند نسبت بانگلیس بیشتر حالت مودت داشته باشند

همچنین ایضا تلگرافی از پیتر ماریتسبورک آمده میگویند مستر تلهان اصرار کرده است که باید قانونی وضع کرد که خرید و فروش آبجوها محدود شود و بالاخره موقوف گردد

امپراطور المان اجازه داده است که تفصیل ملاقاتی که با کاتب هار شاعر باوتر نموده است طبع شود در این ملاقات امپراطور اظهار کرده است که من با کمال اهتمام بجهت آیندهٔ المان کار می کنم و امید وارم و میل دارم مردم خیال مرا ملتفت شوند و مرا در حصول مقاصدم کمک بکنند گمان میرود که طبع شرح این ملاقات بجهت جواب اعتراضاتیست که در روزنامها بامپراطور کرده اند

(رویتر) از توکیو خبر میدهد پرنس فوشیمی مامور شده است که ببازدید پرنس ارتوراف کنات بانگلیس برود

پادشاه و ملکهٔ دانمارک بدیدن امپراطور المان به برلن رفته اند روزنامهای المانی و دانمارکی باین ملاقات خیلی اهمیت میگذارند و میگویند مرهم زخمهای جنگ پروس و دانمارک خواهد بود

کلمة حق یراد بها الباطل

بعضی مردمان غرض اندیش و گرگان گله میش بواسطه اغراض شخصی زندگانی و جاه دو روزه دنیا با کمال بی شرفی و دون همتی مشغول خرابی خانمان دولت و ملت و هتک آبروی وطن عزیز بر آمده بوسایل مختلفه و عناوین متفاوته و ترتیبات گوناگون مطالب خود را عنوان کرده میخواهند اساس مجلس شورای ملی را که حافظ نام و ناموس ملت و دین و عقیده و آبرو و ثروت ما است در نظر عوام و مردم ساده لوح بصورتی نامطبوع جلوه داده و خیالات خود را بر کرسی استبداد بنشانند من جمله بیاناتی شیطنت آمیز بزبان چرب و نرم که مانند شهد مسموم ظاهرش شیرین و باطنش مهلک و مرد افکن است شایع می سازند که ما غمخوار رعیت و فدائی ملتیم . . . یا دوست پادشاه و هوا خواه دولت . . . ایها الناس صریحاً بشما میگوئیم این جماعت بدون شرکت با قافله دزدی میکنند این جماعت بدون ملاحظه نام و ناموس در پی تخریب وطن بر می آیند این جماعت غول بیابان و خار مغیلانند که عقل و هوش شما را می برند . و رخت شما را میدرند . این جماعت کسانی هستند که ملاحظه بدبختی اولاد و نتایج خود را نمیکنند بیچاره زنان و فرزندان این مردم شقی که بدون تقصیر تا روز ابد مردود ملت و مبغوض هم وطنان خواهند شد . . . چرا که این بدبختان بمجرد بد عاقبت بدون ملاحظه و حفظ شرف و سبک نامی خود و خانواده خود چشمها را بهم گذاشته و در نهایت بی شرمی می خواهند مجلس ملی گران بهای ما را که شهنشاه کامران و پدر مهربان ما عطا فرموده است با این افترها و لوطی بازیها بر هم زنند

بیوه زنان در باب الحجال کشور ما گوشواره و دستبند خود را برای ادای قرض دولت و تأسیس بانک داخله حاضر کرده و حریف میخواهند که در این باب بر دیگری سبق گیرند و این بی غیرتان نامرد که بمراتب از زنان عاجزه و روسپیان کمتر و پست ترند میخواهند ابنای ملت را از تشکیل بانک داخله منصرف کرده و دولت ما را باستقراض از بیگانگان و گرو گذاشتن آب و خاک و هستی و ناموس وطن مجبور نمایند . مثل ایشان مانند سگی است که بزور زند دختران خود قشون دشمن را بتاراج قبیلهٔ صاحب خود دعوت نمود . ای ملت نجیب ایران . ای مردمان باهوش و گوش ای کسانیکه از بحر خزر عبور کرده و بخارج این مملکت رفته اید . ای انتخاب که زبان خواندن و قلم نوشتن دارید . زنهار زنهار ! ! فرض شما است که این مسئله را ببرادران بی خبر خود حالی کنید که گول این دزدان را نخورند و فسون غولان را نخرید این شیاطین با خدا عهد کرده اند که بندگانش را بهر تدبیری شده است از صراط مستقیم خارج کرده و باسفل السافلین جحیم نازل سازند این شیاطین بمصداق فبعزتک لاغوینهم اجمعین سوگند خورده اند که بوسائل گوناگون مردمان ساده بدبخت را از شاهراه هدایت بجادهٔ غوایت در اندازند

(فاحذر مضافة سمها المردی ولا)
(یغرر لک لین المس من حبا تها) (ادیب الممالک)

❀ محمد صادق الحسینی الطباطبائی ❀

❀ در مطبعهٔ خورشید بطبع رسید ❀